



تحلیل و بررسی تاثیرات متقابل معماری و جهان بینی اسلامی و آسیب‌های تربیتی معماری مخرب

مهندس اباصلت عسگری^۱، پریسا فرازمهر^{۲*}

۱- عضو هیئت علمی و مدرس دانشگاه حکیم سبزواری

۲- دانشجوی دوره کارشناسی مهندسی معماری، دانشگاه حکیم سبزواری، pfarazmehr@yahoo.com

چکیده

بناهایی که به دست انسان ساخته می‌شود، جلوه‌هایی از نگرش او به جهان هستی است که مبین قوه فکری و ساختار فرهنگی - اجتماعی افراد آن جامعه است. نگاه به مقوله معماری جدا از نگرش فرد (طراح و مخاطب) نسبت به هستی نیست. معمار مسلمان همچون همه مکاتب فکری که بی شک مفهوم انسان کامل در میان آثار هنری اش متجلی می‌شود، در معماری اسلامی در پی آن بوده تا بنای خود را به انسان کامل نزدیک کند و شکلی از باطن انسان کامل بسازد. معماری اسلامی، تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند. معماری اسلامی که به صورت‌های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته، جایگاه خاصی را داراست که در آن، جهان بینی یک مسلمان، نوع اندیشه و باورهایش نمود بارزی دارد. در این تحقیق تاثیرات متقابل معماری بر تربیت انسان بر اساس جهان بینی انسان مسلمان بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: معماری اسلامی، تربیت اسلامی، جهان بینی مسلمان، آسیب‌های معماری



مقدمه

فضای معماری به بیانی توصیف مادی مکان یا ظرفی است که در آن بخشی از فعالیتهای مربوط به زندگی بشر صورت می‌پذیرد. بنابراین فضای معماری با زندگی رابطه‌ای ناگسستنی دارد. انسان هنگامی که از رحم مادر جدا می‌شود، در فضایی جدید قرار می‌گیرد که همان فضای معماری است. انسان در فضای معماری زندگی می‌کند، به فضا فکر می‌کند و فضا را خلق می‌نماید. معماری هنر به نظم درآوردن فضا است و انسان نمی‌تواند قبل از آنکه افعال خود را منظم کرده و به زندگی خود نوعی سازمان بخشیده باشد، فضا را به نظم درآورد. معماری دانشی است که معمار باید بیاموزد تا با طراحی محیط مصنوع به نحو مطلوب در روح و روان انسان تأثیر بگذارد، به دلیل ارتباط مستقیم فضای زیستی با روح و روان انسان، طراحی درست و مطلوب می‌تواند تأثیرات مثبت و طراحی نامناسب اثرات مخرب داشته و حتی بی‌تفاوتی و بی‌معیاری در طراحی باعث دلمردگی انسان شود. طراحی باید با زمان و نیاز بشر همسو باشد، طراح باید بر اساس نیاز جامعه و فرهنگ، خواسته‌ی مخاطب را با علم خود ترکیب کند تا طراحی مطلوبی شود و از ظرفی نباید صرفاً طراحی بر پایه علم و بدون لحاظ کردن خواسته مخاطب به افراد تحمیل شود. تذکر این نکته لازم است که دلبستگی به فرهنگ و هنر یک سرزمین به معنای تکرار اشکال گذشته نیست و در طراحی و هنر، نگاه پویا و خلاق از ضروریات اولیه به شمار می‌آید، یعنی در واقع معماری دارای دو رکن علم و فرهنگ است که نباید از هیچ کدام غافل ماند. زندگی یک انسان مسلمان بر اساس باورها و عقایدش شکل می‌گیرد، و این آمیختگی روح مسلمان با باورهایش تا آنجایی اوج می‌گیرد که هجوم به عقایدش او را ناآرام و آشفته می‌کند و تربیت و اهمیت به آن‌ها تمام سیر زندگی او را تشکیل می‌دهد. از این رو محیطی که او در آن زندگی می‌کند از اهمیت بالایی برخوردار است. در قرآن از مسکن به عنوان مکانی آرامش بخش و قرار آور یاد شده است، این بدان معناست که مسکن در تربیت آدمی نقش دارد و او را بسوی خداوند نزدیک می‌کند و مسکن بر خلیقات آدمی تأثیر می‌گذارد و با این تأثیر او را به فهم و درک نعمت‌های خداوند سوق می‌دهد.

" و خدا برای آسایش شما سایه بانها از درختان و سقف و دیوار و کوهها مهیا ساخت و از غارهای کوه پوشش و اطاقها برایتان قرار داد تا از سرما و گرما پناهی می‌گیرید..." (سوره نحل آیه ۸۰)

روش تحقیق

در این روش بر اساس سیر مطالعاتی و همچنین تجربه، ابتدا به بررسی رابطه انسان و هنر پرداخته شده است و سپس تأثیرات متقابل جهانبینی مسلمان بر معماری مورد توجه قرار گرفته است و در آخر نیز آسیب‌های تربیتی معماری اسلامی شناخته و به بررسی هر کدام پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق



از جمله پژوهش‌هایی که در معماری اسلامی و به طور اخص در حیطة محرمیت و جداسازی فضاها بر اساس اصل محرمیت صورت گرفته می‌توان به مقاله (سلسله مراتب هم‌بندی‌های فضایی) که نوشته اردلان می‌باشد اشاره کرد که در آن از نحوه ترتیب‌بندی فضاها هنگام ورود به مکان به طوری که حریم‌ها حفظ شود صحبت به میان آمده است. [۱]

از دیگر مطالعات دینی اخیر در حوزه شهرسازی و معماری اسلامی می‌توان به کتاب ((شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی)) رحیم قربانی اشاره کرد. [۲] علی‌رغم تلاش‌های به عمل آمده در زمینه تهیه کتب و مقالات متعدد پیرامون اصول طراحی مسکن از منظر اسلام، هنوز کاستی‌هایی در تطبیق این اصول با معماری معاصر وجود دارد. در حوزه شهری اندیشمندانی مانند بسیم سلیم حکیم (۱۳۸۰) به مطرح کردن اصول شهرسازی اسلامی و تطبیق این اصول با شهرهای عربی می‌پردازند. در حوزه اجتماعی نیز هشام مرتضی (۱۳۸۷) [۳] ذاین اصول را در چهار بخش ((جامعه، محله، خانواده و فرد)) بیان و بر کیفیت اجتماعی این اصول تأکید می‌کند. در حوزه مسکن مطالعات محمد نقی زاده پیرامون ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب (۱۳۸۵) و مبانی مسکن ایرانی اسلامی (۱۳۹۰) در خور توجه بوده است. [۴] در سال ۱۳۹۳ نیز مهدی حمزه نژاد و زهرا صدریان به بررسی تئوری‌های برخی نظریه پردازان مشهور جهان در حوزه طراحی مسکن پرداخته و این تئوری‌ها را با اصول اسلامی تطبیق داده‌اند.

در تحقیق حاضر سعی بر این است تا ابتدا با توجه به مفهوم جهانی مسلمان، رابطه آن را با معماری بررسی کنیم که می‌توان با در نظر گرفتن آن‌ها آسیب‌های تربیتی معماری را شناخت و بررسی کرد.

۱- رابطه انسان با هنر و معماری

هنر یکی از ابعاد بسیار مهم وجود انسان است، اگر نگوئیم که مهم‌ترین بعد و ساحت وجودی زندگی انسان روی کره زمین است. اگر ماهیت هنر را مورد بررسی قرار دهیم به این نکته مهم دست خواهیم یافت. هنر عبارت است از به وجود آوردن شرایطی که در آن، با لباس ماده پوشاندن به حقیقتی معنوی، تغذیه‌ی روحی انسان و هدایت او به سمت کمال و مقصدی که جهان‌بینی‌اش تعیین نموده، امکان‌پذیر شود. هنر اسلامی رستگاری انسان را معنا و محتوای هنر می‌داند و آن را به مخاطبین خود نیز تذکر می‌دهد. در هر باوری تعبیری از انسان وجود دارد، انسانی که مخاطب هنر است. در این راستا اسلام رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب را به بهترین و واقعی‌ترین نوع مطرح نموده است. مخاطب به عنوان نقطه مقابل هنرمند، ذاتا انسان است و دارای گرایش‌های فطری مشترک با هنرمند. لذا به میزان رشد ادراکات و تکامل روحی و معنوی خود می‌تواند از اثر هنری رمز‌گشایی نموده و ایده‌ها و ایده‌آل‌های حسن‌شناسی و ادراکی هنرمند را بازخوانی و بازشناسی نماید. [۵] در هنر جدید مخاطب، انسان دنیوی است و صرف نیازهای دنیوی او را برآورده می‌کند، اما در هنر اسلامی میزان انسان الهی است، انسانی که خلیفه‌الله است و تمام صفات الهی را دارد، و هنر باید نیازهای وجودی او را برآورده کند و ممد او در رسیدن به این کمالات باشد.

جهان‌بینی اسلامی با طرح موجودیت فطری، ثابت و بالقوه انسان و پذیرش هویت بالفعل، متغیر و تربیت‌پذیر انسان، رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطب را به بهترین و واقعی‌ترین نوع مطرح نموده است.

هنرمندان مسلمان با انس و الفت و همدلی با حکما، سنت اسلامی را از طریق آثار هنری نمود داده‌اند و انسان‌ها را از ظاهری نمادین به حقیقتی فراتر متذکر شدند.

فضای معماری به بیانی، مکان یا ظرفی است که در آن بخشی از فعالیت‌های مربوط به زندگی بشر صورت می‌پذیرد. بنابراین فضای معماری با زندگی رابطه‌ای ناگسستنی دارد. تأثیر و تأثر مصنوعات بشری نسبت به یکدیگر امری است که بسیاری از پژوهشگران عرصه‌ی فرهنگ و علوم اجتماعی و به ویژه روان‌شناسان بر آن صحنه می‌گذرانند. محیط اطراف و فضایی که از سوی انسان ایجاد



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

می‌شود تأثیر فراوانی بر شخصیت، تیپ، رفتار و تربیت انسان و به ویژه رده‌های سنی پایین‌تر دارد و باعث تحریک حساسیت مردم و به ویژه فعالان در بخش فرهنگ نسبت به محیط اطراف می‌شود.

معماری باید طوری باشد که به اصطلاح در انسان، حس تفکر و تأمل ایجاد کند و ارتباط با هستی صورت گیرد. «کیفیت مکان» زندگی انسان، چه معماری و چه شهر، بخشی از «کیفیت زندگی» اوست که حداقل به عنوان بستر و زمینه، در «کمال» وی مؤثر است.

تعریفی که از انسان در حکمت اسلامی ارائه می‌شود او را دارای دو ساحت پیشینی و پسینی می‌داند. به تعبیر حکما انسان دارای دو ساحت قوه و فعل است. او بر اساس فطرتش، بالقوه خوب است ولی در شکل‌پذیری و شکل دادن به خود آزاد بوده و میتواند بر تاثیرات محیط چیره شود یا اجازه دهد تا آنها بر او چیره باشند. میتوان برخی مکاتب هنر و معماری را با همین تعاریف سنجید. از نظر اسلام مسکن خوب دو ویژگی دارد:

۱- معماری ظاهری و مادی: یعنی آسایش انسان را تأمین کند.

۲- معماری باطنی و معنوی: یعنی آرامش او را تأمین کند.

آسایش با امکانات ظاهری به دست می‌آید و آرامش جز با معنویات فراهم نخواهد شد بنابراین مسکن مناسب، هم باید از امکانات رفاهی و مناسب روز برخوردار باشد البته بدون تجملات و تشریفات زائد و هم مکان مناسبی برای عبادت و کسب معنویات باشد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «(خانه مؤمن محل عبادت اوست.)» بنابراین بنای خانه در صورتی با آرامش حقیقی قرین می‌گردد که جلوه‌ای از معنویت و پرتوی از نور حق در آن بدرخشد در خانه یک مسلمان باید نمادی از یاد خدا جلوه گر باشد.

۲- تاثیر متقابل جهان بینی مسلمان بر هنر معماری

از مهم ترین عوامل تأثیر گذار بر غنای هنر و معماری این مرز و بوم تجلی دین مبین اسلام و تأثیر تفکر و جهان بینی اسلامی بر نحوه نگرش و عملکرد معماران و هنرمندان بوده. سید حسین نصر سر منشأ هنر قدسی را بصیرتی ملکوتی می‌داند که از حکمت جاوید نشأت می‌گیرد که در قلب پیام و تجربه دینی نهفته است و چون مبدأ الهی واحد است و نیز به سبب وحدت عمیق گیرنده انسانی به جاودانگی و جهان شمولی دست می‌یابد. هدف آرمانی آثار معماری و شهر اسلامی پدید آمده توسط انسان کامل بعنوان مظهري از هنرهای دینی، نمادی از جهان هستی برای رهایی روح انسان از وابستگی‌های دنیوی است. طبق تعریف سلسله مراتب در تفکر شیعه، درک حقیقت، سلسله مراتبی است و همه مخلوقات با توجه به شدت و ضعف دریافت‌شان، در درجات مختلفی از نظام هستی واقع می‌شوند. مفاهیمی در قالب توحید و ایمان به خداوند در واقع نخستین بسترها برای پذیرش دین اسلام به حساب می‌آیند. بر این اساس اهمیت توجه به حضور دائمی خداوند در هر نقطه‌ای از زمان و مکان، در بسیاری از نموده‌ها، تأثیر مستقیمی بر هنر و معماری داشت.

نگاه به مقوله معماری جدا از نگرش فرد (طراح و مخاطب) نسبت به هستی نیست. معماری اسلامی اشاره به این باور است که انسان مسلمان به مثابه استفاده کننده از محیط ساخته شده، محور عمل طراحی است. این معنا در مقابل دیدگاهی در عرصه معماری است که در آن اساساً "فردیت و جنبه‌های زیبایی شناسی فرمی بر دیگر موارد ارجحیت دارد. معماری اسلامی از یکسو با ماهیت انسان مسلمان، و در نتیجه با نیازهای او، و از سوی دیگر با نحوه ارضاء آن که با فرهنگ اسلامی ربط می‌یابد، قابل تبیین است.

معمار مسلمان همچون همه مکاتب فکری که بیشک مفهوم انسان کامل آن در میان آثار هنری اش متجلی میشود، در معماری اسلامی در پی آن بوده تا بنای خود را به انسان کامل نزدیک کند و شکلی از باطن انسان کامل بسازد.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

شواآن مشاهده صحیح طبیعت و صور هستی را برای بیان معنوی هنر می داند چنین به نظر می رسد که جوهر هنر اسلامی غربتی روحانی و هجرانی عرفانی است که هنرمند را از احساس عدم تجانس با موجودات عالم آگاه می سازد و تمایل به جاودانگی را در او مرتفع می گرداند.

رفتار انسانی براساس بینشی فرهنگی و مردم شناسانه زیربنای جهان بینی تمدن شهری اسلامی در بخش های توحید، حقوق، شریعت، تفکرات سیاسی، سیستم اقتصادی، مسائل اخلاقی و ... است. اگر چه روابط بین این بخشها در شرایط تاریخی وجغرافیایی تغییر می کند، با این حال باید گفت در جوامع اسلامی از قدرت و کارایی لازم برای ایجاد فرهنگ و تمدن برخوردار است.

کالبد، ظاهر آشکار یک شهر و ماهیت اعتقادی و فرهنگی، باطن آن است. تفکر پایداری و نحوه توسعه آن که امروزه مهم ترین چالش های ذهنی انسان معاصر است ، قرن ها پیش به شکل بسیار متعالی ملهم از جهان بینی و فرهنگ اصیل ایرانی- اسلامی پا به عرصه ظهور نهاد. جهان بینی یعنی اینکه شما باید جهان را چطور ببینید. ممکن است جهان بینی کسی بر اساس پول، قدرت و ماده استوار باشد. زندگی او بر این اساس استوار خواهد بود و کسی دیگر ممکن است، تعالی انسان و تحول و تکامل و جاودانه شدن انسان را مد نظر داشته باشد.

از مهم ترین اهداف جهان بینی اسلامی توجه به انسان (با توجه با جایگاه رفیع اش در خلقت) و غایت حیات اوست، انسان به نوعی مهم ترین مظهر تجلی حق بر روی زمین و طبق تعالیم اسلامی به عنوان جانشین خداوند و امانت دار او در روی زمین است. هنر اسلامی مکاشفه ای استحسانی و مجاهده ای عرفانی از صور هستی در روند تجربه ای زیبا شناختی برای رهایی از غربت و امکان دهی قربت به ذات الوهی در بستر کلام و ادب ، ترسیم و تجسیم ، فضا سازی و معماری است تا از طریق تجربه شهودی و یا تجربه محسوس و آن هم در صحنه آفاق و انفس ترجماتی از وجدان وحدت جانان در کثرت جهان در گستره ای از عالم ذره تا قیامت برای فزونی منزلت و رستگاری انسان راستین باشد[۶] از منظر جهان بینی اسلامی، پدیده های عالم دارای دو وجه ظاهری و باطنی، صورت و معنا هستند. عالم صورت، که عبارت است از آن چه می بینیم و دیگر عالم معنا و حقیقت، که با چشم سر دیده نمی شود. انکشاف هر معنایی برای انسان در قالب « صورتی » است که آن معنا از طریق آن خود را بر انسان عیان می کند. بنابراین عالم صورت جز معنا نیست و معانی، باطن عالم ظاهراند که آدمی را به حقایق رهنمون میکنند.

در طراحی معماری، آن جا که توجه معماران به وجه باطنی کالبد معماری است، رویکرد «معناگرا» مطرح می شود. در حیطه هنر و معماری، توجه به جنبه باطنی آثار و پدیده های هنری، منجر به نگرشی در طراحی معماری می گردد که « معناگرایی » نام دارد. رویکرد معناگرا در طراحی معماری، تلاشی برای بیان آگاهانه معانی مستتر در پس کالبد معماری است و تلقی و تعریف معمار معناگرا از مقوله « معنا » نقش مهمی در نگرش معناگرایانه وی دارد.

در تفکر و جهان بینی اسلامی ، توجه به جنبه معنایی و باطنی پدیده های عالم حایز اهمیت است، چراکه به نظر می رسد، جهان بینی اسلامی و نوع نگرش به جهان هستی در سایه فرهنگ اسلامی، در خلق آثار معماری مسلمین نقش بسزایی داشته، معانی منبعث از مبانی جهان بینی اسلامی در خلق معماری مؤثر هستند.

از آن جا که گفتیم پدیده های عالم دارای دو وجه بیرونی و درونی (صورت و معنا) هستند، صورت ها هویتی دوگانه دارند. از سویی حجاب چهره حقیقت و عالم معنی هستند و از دیگر سو، آیت و راهنمایی برای رسیدن به حقیقتی معین. هم می توانند راهنما باشند و هم سد و مانع، بستگی به رویکرد بشر نسبت به پدیده ها و نحوه استفاده یا سوءاستفاده از آنها دارد. نظریه های ویتروویان در باب مقوله های مؤثر در طراحی معماری را در سه عنوان زیر می توان خلاصه نمود:

الف) فرم یا صورت: وجود مرئی ساختمان

ب) کارکرد: کاری که ساختمان برای ما انجام می دهد.

ج) معنا: مقوله ای از اندیشه ها که ساختمان می تواند ارائه کند.



شکل ۱: نظریه های ویتروویان در باب مقوله های مؤثر در طراحی معماری

از منظر معناگرایان، معماری، مانند سایر هنرها، فنون و تولیدهای بشر، «علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه ای اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای معنوی و مادی هماهنگ با جنبه های روحانی حیات وی طراحی و ساخته شده است. به این ترتیب که بنا واجد کالبدی است و روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان بینی جامعه است.

جدول ۱: ویژگی های نگرش معناگرا در معماری

ویژگی های نگرش معناگرا		
توجه به جنبه های نمادین فضا و صور معماری برای نیل به معانی	فهم معانی نهفته در پس کالبد	بهره گیری از منابع فرهنگ دینی، متون عرفانی، فلسفی

از این منظر، شکل، ابزار بسیار مناسبی است که می تواند در نقش یک نماد، به جلوه دادن مفاهیم مورد نظر طراح پرداخته و نمای شگر یک محتوای معنوی شود» [۷]

معناگرایی به وسعت حیطه های تفکر و فرهنگ بشری گسترده است و محقق معناگرا، می تواند از حوزه های مختلف معنایی بهره گیرد. لذا اولین گام در بیان معماری معناگرا، تعریف محدوده مبانی فکری و معنایی مورد نظر معمار است. مقصود از مفهوم معنا در این پژوهش مفاهیم منبعث از جهان بینی اسلامی است که در طراحی معماری مسلمین مؤثرند.

۳- تأثیرات مادی و معنوی معماری بر تربیت



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری



The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management

تأثیرات محیط بر انسان از جمله مسائل مهمی است که در ادبیات دینی هم مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان که امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه درباره‌ی رسول اکرم (ص) می‌فرماید: بر در خانه‌اش پرده‌ای آویزان بود که در آن صورتی نقش بسته بود. پیامبر (ص) فرمودند که این را از من دور سازید، چرا که من به آن چشم می‌اندازم، دنیا و آرایش‌های آن را به یاد می‌آورم.

شهرسازی و معماری، به جهت اصولی که در طراحی و ساختشان مؤثر است، خود نیز نمایانگر اصول تربیتی هستند و بالطبع نه تنها آن‌ها را در زندگی صاحبان و سازندگان خویش تسری می‌دهند، بلکه فراتر از آن، بر زندگی سایر آحاد جامعه (چه آن‌هایی که خواستار زیستن در چنین فضایی هستند و چه آنان که صاحبان آن عمارت را به عنوان الگوی خویش می‌پذیرند) نیز مؤثر خواهند بود. به بیان دیگر، با توجه به آنچه دستگاه‌های تبلیغاتی، ترویج و تبلیغ و معرفی می‌کنند و با تأیید ضمنی آنچه ساخته می‌شود و همچنین با تعریف و تمجیدهای غیرمخصصانه از آن‌ها، به همراه ایرادگیری‌ها و تخطئه‌ی آنچه می‌تواند به گونه‌ای فرهنگ ایرانی را به منصفی ظهور رساند، آن‌ها در واقع ارزش‌ها و در نتیجه، روش زیستی را که منبعث از جهان‌بینی مبنایی این معماری است ترویج و تبلیغ می‌کنند. تأثیر این روش زیست و مبانی فلسفی آن و معماری و فضایی که ظرف آن است بر ارزش‌های فرهنگی که اساس دگرگونی فرهنگ اصیل و معنوی جامعه است، امری محرز و انکارناپذیر به نظر می‌رسد. از جمله پژوهش‌هایی که دانشمندان از تاثیر هنر و معماری در تربیت انسان انجام داده اند ، می توان به تربیت کودکان با استفاده از هنر نام برد.

۳-۱ هنر و تربیت کودک

یکی از ابزارهای کمک به تشخیص و درمان اختلالات روحی و روانی به‌ویژه در کودکان، گرایشی به نام هنردرمانی است که از طریق شاخه‌های مختلف آن، افراد احساسات و تفکرات خود را نشان می‌دهند.

خواسته یا ناخواسته ذهن کودکان، مانند لوح نانوشته‌ای، آمادگی پذیرش تربیت‌ها و نوشته‌های جدید را دارد و بخشی از این آموزه‌ها هم از طریق رابطه‌ی ادراکی بین انسان و محیط به وجود می‌آید. محیط، معانی و مفاهیمی را به ذهن انسان القا می‌کند و در نتیجه، ارزش‌هایی را یادآور می‌شود. مقایسه‌ای بین نقش شهرهای تاریخی و معاصر ایرانی در القای ارزش‌های فرهنگی به وضوح بحث کمک خواهد کرد. آنچه کودکان دیروز در معماری شهرها شاهد آن بودند شهری بود با کالبدی متوازن و متعادل با مقیاس انسانی و از همه مهم‌تر، معنویتی را به آن‌ها القا می‌کرد که ریشه در فرهنگ و تمدن دیرینه‌ی ایرانی و اسلامی داشت.

کالبد شهر در گذشته، نجیب، آرام، متوازن و هماهنگ بود که در سایه و جوار عمارت معنوی مساجد، زیارتگاه‌ها، حسینیه‌ها و حتی دارالاماره‌ها که به نحوی خویش را ظل‌الله می‌نامید غنوده بود. بر خلاف استفاده از مصالح معدود، تنوع اشکال و تناسب باعث می‌شد تا بنا عاری از یکنواختی باشد و انسان در برخوردی ناگزیر از سلام و احوال‌پرسی باشد و احساس یگانگی با جامعه و خانواده و عدم احساس غربت کند. شهرها آمیخته با مضامین و نشانه‌هایی از جمله آیات و روایاتی بودند که همواره کودکان با آن‌ها مواجه می‌شدند. افراط و تذبذب بسیار اندک و خانه حریمی مقدس بود که با کفش در آن پا نمی‌نهادند.

در نقطه‌ی مقابل، کودکان امروزی شاهد مجموعه‌ای از بی‌نظمی و ناهمگونی در معماری و بافت شهری، زشتی و از همه بدتر سبزه‌ی مادیت و کمیّت بر زندگی انسانی هستند. کودک امروزی به دلیل معماری خاص شهری و در کنار آن تربیت‌های خاص، کمترین میزان تعامل و برخورد را با اطرافیان دارد و متأثر از بی‌نظمی معماری شهری و فشارهای روانی حاصل از آن، دچار مشکلات عدیده‌ای است.

بسیاری از نکات تربیتی به صورت ناخواسته از لابه‌لای وضعیت معماری فعلی در ذهن و روح کودکان نفوذ می‌کند و باعث شکل‌گیری ابعاد مختلفی از شخصیت آنان می‌شود که به برخی از این موارد در زیر اشاره می‌شود.



۳-۱-۱-۱ تفوق وجه مادی شخصیت بر وجه معنوی

آنچه هم‌اکنون در معماری‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد مسئله‌ی تکنیک و فناوری است و کمتر، توجهی به مبانی نظری می‌شود. آنچه بیشتر در مباحث معماری مورد توجه است و در واقع ملاک اصلی طراحی‌ها و ساخت‌وسازها قرار گرفته است، سلیق شخصی و انگیزه‌های مادی صاحبان سازه‌هاست. البته در این بین، بسیاری از خواسته‌ها و عادات و غرایض بیگانه، که غالباً دارای روح مادی‌گری است، در ذهن و جان کودکان نفوذ می‌کند و اینکه معنویت و توجه به روح معنوی در معماری نباید فدای استفاده از فناوری شود، مسئله‌ای است که از آن غفلت شده است؛ در حالی که این دو، یعنی فناوری نوین و توجه به روح معماری ایرانی و اسلامی و بهره‌گیری از نمادهای اسلامی، قابل جمع هستند.

۳-۱-۲-۲ ترویج منیت

معماری اصیل ایرانی دارای یک نوع هارمونی و انسجام ساختاری بود که باعث نزدیکی و قرابت ناخودآگاه افراد جامعه می‌شد؛ به گونه‌ای که از نظر فکری، کودکان از همان ابتدا خود را جدا از دیگران نمی‌دانستند. در واقع روحیه‌ی جمعی به جای منیت در بین کودکان ترویج می‌شد و احساس دوری و فاصله کمتر بود، در حالی که معماری کنونی باعث ایجاد نوعی ناهماهنگی شده است.

۳-۱-۳-۳ روحیه‌ی تنبلی و عدم تحرک

معماری نوین به گونه‌ای است که علاوه بر کوچک‌سازی فضای درون خانه، افراد کمترین زحمت را برای رفع حوائج خود متحمل می‌شوند و دیگر کودکان مجبور نیستند برای غذا خوردن، رفع حاجت یا هر مسئله‌ی دیگری مسیر زیادی را بپیمایند. بنابراین روحیه‌ی تنبلی کم‌کم در بقیه‌ی امور هم بر آن‌ها حاکم می‌شود.

۳-۱-۴-۴ ترویج بی‌هویتی

معماری نوین غالباً ریشه در فرهنگ و هویت غربی دارد و نفوذ و سلطه‌ی این نوع معماری به مرور هویت اصیل جامعه را دچار استحاله می‌کند. در واقع هر معماری متأثر از فرهنگی است که خاستگاه آن است و متناسب با آن فرهنگ شکل گرفته است. کودکان ما هم‌اکنون در معماری شهرشان، به جای مواجه شدن با نشانه‌ها و شکل معماری فرهنگی اصیل خود، در معرض آماج نشانه‌ها، سمبل‌ها و اصول فرهنگی بیگانه قرار می‌گیرند و بیم بی‌هویت شدن نسل جدید روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

معماری نوین به گونه‌ای است که علاوه بر کوچک‌سازی فضای درون خانه، افراد کمترین زحمت را برای رفع حوائج خود متحمل می‌شوند و دیگر کودکان مجبور نیستند برای غذا خوردن یا هر مسئله‌ی دیگری مسیر زیادی را بپیمایند. بنابراین روحیه‌ی تنبلی کم‌کم در بقیه‌ی امور هم بر آن‌ها حاکم می‌شود.

۳-۱-۵-۵ ترویج روحیه‌ی خشونت و پرخاشگری

عدم توجه به عناصر معنوی و تشنگی در معماری و وجود سمبل‌هایی از خشونت، باعث ایجاد روحیه‌ی پرخاشگری و خشونت در کودکان خواهد شد و دیگر نشانه‌هایی از معماری اصیل ایرانی که دارای کالبدی نجیب، آرام و متین باشد کمتر مشاهده می‌شود و فشارهای روانی حاصل از این معماری‌های خشن و ناهمگون باعث ترویج روحیه‌ی خشونت‌گرایی خواهد شد.

باید دانست که غالباً معماری بیش از آنکه انتقال‌دهنده‌ی شکل باشد انتقال‌دهنده‌ی معناست و معماری‌ها به شدت متأثر از فرهنگ خاستگاهشان هستند و لذا فرهنگ، روابط اجتماعی و انسانی را که بدان تعلق داشته‌اند به سایر جاهایی که در آن نفوذ کرده‌اند منتقل می‌کنند و در این بین، کودکان بخش عمده‌ای از تربیت عمومی خود را ناخواسته از لابه‌لای این سازه‌ها به دست می‌آورند.



شکل ۲: تاثیرات معماری در تربیت کودکان

نتیجه‌گیری

در مسیر خلق معماری با هویت اسلامی-ایرانی و شناخت ابعاد هویت بخش آن، به علت تمایل قالب افراد به معماری غیرخودی، جامعه معاصر دچار بحران هویت گشته است، در صورت تداوم این بحران و عدم ارائه راه حل، به تدریج ارزش‌های متعالی فرهنگی - هویتی معماری در میان افراد جامعه از میان خواهد رفت یا به شکل غیر قابل باوری تغییر خواهند یافت و آن‌گاه افراد در مکان‌هایی خواهند زیست که انباشته از آشفتگی و بی‌هویتی است. در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً در طراحی فضای داخلی مسکن اصولی قابل تعریف است که می‌توان با بهره‌گیری از این اصول بر عوامل ایجاد آرامش در انسان تأثیر گذاشته و در نتیجه محیطی آرام را در فضای خانه که مکان مناسبی برای استفاده، در راستای این هدف می‌باشد ایجاد کرد. ثانياً از این تحقیق استنتاج می‌شود که فضای خانه و حتی شکل‌گیری فضای شهری تاثیرات زیادی بر روح و روان و همچنین تربیت انسان دارد که انسان را به طور ناخود آگاه در حال حرکت در یک سیر تربیتی قرار می‌دهد. ثالثاً معماری یک فضا بر اساس معیارهای جهان بینی یک مسلمان مسبب یک حس تعلق به فضا می‌شود که این فضا او را در مقابل آسیب‌های محیطی واکسینه می‌کند.



اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری

The first annual conference of Architecture, Urban planning & Urban management



مراجع:

- [۱] اردلان، نادر و بختیار، لادن، (۱۳۸۰)، «حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایران» (حمید شاهرخ، مترجم)، تهران: سازمان زیبا سازی
- [۲] قربانی، رحیم، ۱۳۵۶، شاخص‌های معماری و شهرسازی اسلامی، مرکز بررسی‌های راهبردی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).
- [۳] هشام، مرتضی، ۱۳۸۷، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- [۴] نقی زاده محمد، (۱۳۸۵) «معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)». انتشارات راهیان.
- [۵] نقره کار، ع. اولیا، ط، ۱۳۸۸، تنوع نورگیری، راهکاری برای تعدد فضاهای با کیفیت، گنجینه یزد
- [۶] رهنورد، زهرا، (۱۳۷۸) حکمت هنر اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- [۷] صفایی پور، هادی (۱۳۸۶)، بررسی کیفیت رابطه شکل، سازه و معنا در معماری مساجد عصر صفوی. اولین کنفرانس سازه و معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، تهران.
- [۸] (نهج البلاغه، ص ۱۵۹)